

یادداشت‌هایی درباره جنبش اخیر مردم ایران نگاهی از برون در پرتو گذاری بزرگ در جهان

جنبش اعتراضی اخیر مردم ایران از ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ (۱۶ سپتامبر ۲۰۲۲) آغاز گردید. مرگ ناگهانی مهسا امینی در بازداشت پلیس جرقه‌ای شد بر مطالبات انباشته و معوق مردم و به سرعت به سراسر کشور گسترش یافت. این، عمق گسترش یابنده چنین جنبش‌هایی را نشان می‌دهد که زمان تناوب آن در سه دهه اخیر هرچه کمتر شده است. این جنبش‌ها گسترش شکاف بین مردم و حاکمیت را نشان می‌دهد. این شکاف خود مهم‌ترین عرصه دخالت و گسترش نفوذ دشمنان خارجی برای سوءاستفاده یا خنثی کردن قدرت ژئوپلیتیک (جغرافیای سیاسی) میهنان بوده، هست و خواهد بود. از این زاویه، عملکرد ضد وحدت ملی حکومت و نفوذ دشمنان خارجی در ستون فقرات آن از عوامل اصلی بحران‌های متناوب، ممانعت از توسعه پایدار در چهاردهه اخیر، مهاجرت میلیونی متخصصان و فارغ‌التحصیلان، خروج نجومی سرمایه‌های مادی و معنوی، و سرانجام دخالت خارجی در امور داخلی کشور ما بوده است. هدف هردو نیز مهار مردم ایران در پیگیری و پیشبرد انقلاب ملی-دمکراتیک‌شان است که علیرغم شکست‌های پس از انقلاب کماکان ادامه دارد.

این ۱۸ یادداشت، مجموعه نظرانی است که در جریان جنبش اعتراضی اخیر، در پاسخ به پرسش‌ها و در مباحثات گوناگون (در واتساپ، تلگرام، فیسبوک، سنجر و...) از اول مهر تا بیستم آذرماه ۱۴۰۱ نوشته شده است که پس از ویراستاری و تصریحاتی در متن منتشر می‌شود. خواننده می‌تواند با انتخاب تیترهای مورد علاقه، از خواندن کل نوشته (۱۲ صفحه) اجتناب کند. هر موضوع مستقل از دیگری و به ترتیب تاریخ آمده است و به ناچار برخی عبارات تکراری هستند. از این جهت از خوانندگان محترم عذر می‌خواهم.

امیر هوشنگ اطمینانی

۲۶ اسفند ۱۴۰۱ (۱۷ مارس ۲۰۲۳)

* در رابطه با این یادداشت‌ها و برای آگاهی از برنامه‌های امپراطوری نئولیبرال و تسلط انحصاری‌اش بر ایران و جهان، رجوع به منابع نمونه زیر مهم است. عملکرد و اهداف واقعی امپراطوری آمریکا را از سه منبع اول و سایر اطاق‌های فکری می‌توان بی‌پرده و واضح، در پرتو وقایع سه دهه گذشته، دید؛ درحالی‌که سند چهارم که توسط دولت بایدن منتشر شده پوشیدم‌تر، تبلیغاتی‌تر، محطاطانه‌تر و مربوط است به پس از اکتبر ۲۰۲۲:

1. [WHICH PATH TO PERSIA? Options for a New American Strategy toward Iran](#), The Saban Center at The Brookings Institution. June 2009 - مؤسسه بروکینگز
2. [The Project for New American Century](#), Website- 1997-2006 - **وبسایت پروژه قرن جدید امریکایی**
3. [REBUILDING AMERICA'S DEFENSES](#)- Strategy, Forces and Resources for a New Century, Sep. 2000 - **بازسازی دفاع امریکا- استراتژی، نیروها و منابع برای قرن جدید**. این سند برنامه‌ای بازتاب عملکرد خونین و فاجعه‌بار امریکاست در سه دهه گذشته.
4. [NATIONAL SECURITY STRATEGY, October 2022](#) - استراتژی امنیت ملی دولت بایدن

** شنیدن این فایل‌های صوتی فارسی در [زمینه جغرافیای سیاسی در این وبسایت](#)، آموزنده و مفید است.

۱. تجارت خون جوانان میهن- دلنوشته‌ای برای جنبش اعتراضی پس از مرگ مهسا امینی در بازداشت

۱ مهر ۱۴۰۱ (۲۳ سپتامبر ۲۰۲۲)

حالم اصلا خوب نیست که می‌بینم جنبش برحق اعتراضی، فراگیر، مستقل و ملی جوانان میهن اینگونه مصادره و سرکوب می‌شود؛ که اینگونه قدرت‌های بیگانه جوانان میهن را گوشت دم‌توپ می‌کنند و اشک تمساح می‌ریزند برای گرفتن دست بالا در منازعه و معامله با حکومتی که خود برای مهار انقلاب ۱۳۵۷ قدرت را به آن انتقال دادند.

حالم اصلا خوب نیست که می‌بینم قدرت‌هایی که برایشان حقوق بنیادی بشر (حق زندگی در میهن، امنیت، صلح، کار، مسکن، بهداشت و درمان و آموزش همگانی، دسترسی به انرژی و ارتباطات، تغذیه و آب سالم...) اصلا مطرح نیست، و حقوق بشر بخش برخوردار و نخبه جامعه را دست‌آویز مقابله با حاکمیت کشورهایی می‌کنند که حاضر نیستند دست‌نشانده و فرمانبرشان باشند؛ آنهم فقط برای تداوم امپراطوری تک‌قطبی‌شان بر جهان.

حالم بد است و دچار تهوعم که می بینم بزرگترین جنایتکاران و جنگ افروزان تاریخ معاصر بشر، حداکثر سرمایه‌گذاری را در زمینه انواع رسانه‌های داخلی و خارجی برای بردگی فکری ایرانیان از هر فکر و سلیقه‌ای انجام داده‌اند تا از آنها و احساسات انسانی‌شان برای منافع تجاری، ژئوپولیتیک و جنگ‌افروزانه‌شان سوء استفاده کنند.

حالم بد است که می‌بینم برخی ایرانیانی که تابعیت کشورهای دیگر را دارند و هیچگاه به میهن‌شان باز نخواهند گشت مگر با ارتش کشوری متجاوز برای جاییگیری در حکومتی دست‌نشانده مانند افغانستان، عراق، لیبی و کردستان سوریه، هر جنبش اصیلی را در میهنم مصادره می‌کنند و به بی‌راهه می‌برند و برای آن از امپراطور در حال احتضار دستمزد و بودجه می‌گیرند تا منافع ملی میهنمان را فراموش کنند.

دچار فاجعه هستیم که می‌بینیم ایرانیان مزدور اف بی آی، پنتاگون، موساد، سیا، ام‌آی‌۶، وزارت خارجه کشورهای عضو ناتو، آژانس امنیت ملی امریکا (NSA)، بنیاد اعانه ملی برای دموکراسی (NED) [یا ستاد دخالت در امور داخلی کشورها] و رسانه هاشان (ایران اینترنشنال عربستان، بی‌بی‌سی، من‌وتو، فیسبوک، اینستاگرام، توئیتر، واتساپ، رادیو کوچه، ایران‌وایر، توانا و...) و انواع سازمان‌ها و بنیادهای به ظاهر غیردولتی از خون ایرانیان مبارز برای خود پول، شهرت و قدرت کسب می‌کنند و مدعی رهبری هر جنبش اعتراضی، اجتماعی، ملی، مطالباتی و انقلابی هستند. آیا این قدرت‌ها و میلیاردرها عاشق ایران و ایرانیند یا عاشق حکومت و تسلط بر ایرانیان، سودجویی نجومی و ادامه تسلطشان بر جهانند؟

فاجعه ایست که باید با میکروسکوپ روزنامه‌نگار و کارشناسان مستقل، محقق، راستگو، صادق، متکی بر واقعیات و بی‌طرف را در این رسانه‌ها یافت. کاری است طاقت فرسا، تشخیص دروغ از راست، واقعیت مجازی از حقیقی، شانناژ و تحریک و غلو از اطلاع‌رسانی، آگاهگری و روشنگری. هدف برای اینها هر وسیله‌ای را توجیه می‌کند. هدف نهایی چیست؟ انگار هیچکس نمی‌داند: ایجاد کشت و کشتار، درگیری و ترور، تخریب و انفجار و آتش‌سوزی، شایعه و دروغ از هر دو سو تا زمینه برای دخالت نظامی آماده شود. سناریویی امتحان شده در افغانستان، عراق، سوریه، سومالی، یمن، مصر، سودان، یوگوسلاوی، اوکراین، تاجیکستان، ارمنستان، آذربایجان، قرقیزستان، ازبکستان، چین در روسیه، گرجستان، کوسوو در صربستان، سین‌کیانگ و تبت و هنگ‌کنگ و تایوان در چین و... بجز دخالت‌هایی که در چین و روسیه با شکست مواجه شد و یا هنوز در جاهایی در جریان است، نتیجه اینگونه دخالت‌های امپراطورمآبانه فقط فاجعه، فروپاشی، آوارگی، تخریب تمدن، کشتارها و معلولیت‌های جمعی، غارت ثروت ملی، بی‌خانمانی، گرسنگی، بیکاری، بیسوادی و... بوده است. اگر توسل به قدرت‌های مداخله‌گر برای آن ملت‌ها خوشبختی آورد، برای ما هم خواهد آورد.

۲. چرا پراکندگی و تفرقه در خارج از کشور تداوم دارد؟

۲ مهر ۱۴۰۱ (۲۴ سپتامبر ۲۰۲۲)

اعتماد به خارج کشوری‌ها سال‌هاست که سلب شده و تنها امید به جنبش مردم ایران است. پراکندگی در مهاجرت طبیعی است؛ چون افراد در ده‌ها کشور پراکنده‌اند و بسیاری آگاهانه و ناآگاهانه قربانی امپراطوری دروغ و فریب رسانه‌های متعلق به امپراطوری نئولیبرالی سرمایه‌مالی هستند که مانند یک ارکستر از مرکزی واحد عمل می‌کنند و در هر کشوری رنگ و بوی خود را دارند. این دیکتاتوری سرمایه‌مالی-نئولیبرالی نه تنها مردم جهان بلکه سرمایه‌صنعتی را هم برده رانت‌خواری خود کرده است. متأسفانه هرآنچه از ما مانده بود را از درون قلع و قمع کردند و با تیشه به ریشه زدند و گروهی سکتاریستی را به تابلوی نام ما آراستند: عده‌ای که آتشی در درونشان نیست، مانند بوروکرات‌ها عمل می‌کنند و شهوت جایگاه و رهبری دارند. تلاش بر این است که هر جا هستیم حداقل به روشنگری بخصوص در زمینه امور جهانی بپردازیم چون دستمان از میهن کوتاه است. بله اگر قبل از انقلاب همه متشکل، هماهنگ و متمرکز در دو سه کشور و یک سیستم بودند، اکنون پراکندگی در حد عدم قطعیت و حرکت نامنظم الکترون‌ها و اجزای اتم‌هاست. شاید این بی‌نظمی خود موجد نظمی جدید بشود. در هر صورت، ما در دوران زایش عظیمی زندگی می‌کنیم. باید امیدوار بود که مادر و بچه در این زایش خطرناک زنده بمانند و جهان نوینی را پی‌ریزی کنند. آنچه مسلم است، تسلط دیکتاتوری سرمایه

مالی-نئولیبرالی در غرب از لحاظ تاریخی عمرش رو به پایان است. مهم این است که مردم کشور ما با همراهی و همبستگی گسترده و فراگیر از تسلط آن در داخل و بخصوص در خارج برهند و راه مستقل خویش را بیابند و قربانی آن نشوند تا میهنمان در این زایش عظیم پایدار بماند.

۳. در پاسخ دعوت به امضای طومار درخواست از کشورهای گروه ۷ ۲۷ مهر ۱۴۰۱ (۱۹ اکتبر ۲۰۲۲)

این کشورها بزرگترین دشمنان تاریخی مردم و کشور ما بوده‌اند و خود این رژیم را به ما تحمیل کردند و الان می‌خواهند آن را فرمانبر و دست‌نشانده خود کنند. این گروه ۷ همانقدر که برای عراق، سوریه، لیبی، افغانستان، سومالی، سودان، یمن، فلسطین، لبنان، اوکراین و... خوشبختی آوردند، برای ما هم خواهند آورد. آنها بزرگترین استعمارگران و جنایتکارترین قدرت‌های تاریخند و حقوق بشر را فقط برای تحکیم قدرت و تغییر رژیم با تجاوز نظامی یا با «انقلابی» به رهبری خود می‌خواهند. ملت ایران تنها با اتکا به قدرت خود می‌تواند از شر بختک حکومت اسلامی رها شود و گرنه با دخالت خارجی، ایرانی نخواهد ماند. چنین درخواستی در جهت منافع دشمنان تاریخی ملت ایران است.

۴. در واکنش به اشتراک‌گذارن مطالبی که نشانه‌هایی سطحی از دخالت خارجی را مطرح می‌کنند ۱۱ آبان ۱۴۰۱ (۲ نوامبر ۲۰۲۲)

کار بسیار بیش از اینها و پیش از اینها خراب بوده است. موج سواران چپ و راست، مزدوران مستقیم و غیرمستقیم سازمان‌های اطلاعاتی، رسانه‌های تابع منافع کشورهای دیگر، انواع خودشیفتگان، روان‌پریش‌ها و دیوانگان اجتماعی - که از یوتوب، اینستاگرام، سازمان‌های به ظاهر غیردولتی و حقوق بشری، و... درآمد کسب می‌کنند - خون جوانان و اعتراضات به حق‌شان را وسیله سودجویی، قدرت‌طلبی و شهرت‌پرستی خود کرده‌اند و با احساسات ایرانیان بازی می‌کنند. کار بسیار بیش از اینها خراب است. فضای خارج کشور بسیار آلوده است و غیرقابل اعتماد. هرآنکه از کشورهای خارجی طلب کمک و دخالت در امور داخلی میهن خود می‌کند آینده‌ای بهتر از عراق، افغانستان، سوریه، سومالی، سودان، یمن، اوکراین و... نخواهد یافت. ۹۰ درصد این صحنه گردانان به ایران و سرنوشت مردمش اهمیت نمی‌دهند چون بیش از میهن خود، شهروند کشورهای دیگرند و جایشان امن و آینده‌شان تأمین است. اگر اینها بازگردند تنها با پول و ارتش خارجی و برای کسب جایگاهی در قدرت حکومتی دست‌نشانده خواهد بود مانند کابینه‌ها و دستگاه‌های اداری صادراتی در عراق و افغانستان. و سلام

۵. برای من خیلی عجیبه که فردی مثل شما هیچ پستی و یا نظری در مورد انقلاب در حال وقوع ایران تاکنون نگذاشته‌اید. شما چه می‌دانید که ما نمی‌دانیم؟ ۱۴ آبان ۱۴۰۱ (۵ نوامبر ۲۰۲۲)

ممنون از پیام و پرسش‌تان. والله فضای خارج از کشور و فضای مجازی بسیار آلوده است به دروغ، سناریوسازی، یکجانبه‌نگری، بزرگ‌نمایی نجومی منفی و پنهان کردن مثبت، ترویج خشونت، بی‌اخلاقی، بیگانه‌پرستی، سودجویی و...

مجموعه قدرت‌های خارجی و رسانه‌های فارسی زبان‌شان - به همراه ایرانیانی که با خون جوانان ما و اعتراضات برحق‌شان تجارت می‌کنند - به دنبال منافع جهانی و منطقه‌ای خودشانند. آنها به شدت از احساسات انسانی ایرانیان سوءاستفاده می‌کنند و تنها هدفشان ایجاد بلبشو و گرفتن ماهی از آب گل‌آلوده است تا یا حکومت را فرمانبر کنند و یا ایران را نابود کنند. توسل به قدرت‌های خارجی به هر بهانه‌ای فقط باعث می‌شود که این جنبش هم سرکوب شود هم هیچ دستاوردی نداشته باشد. برای این قدرت‌ها، حقوق بشر پیشیزی ارزش ندارد و فقط به عنوان ابزاری برای اعمال فشار، کسب قدرت و اعمال نفوذ در دیگر کشورها استفاده می‌شود. اگر آنها گلی به سر عراق،

سوریه، افغانستان، یمن، لیبی، اوکراین و... زدند، برای ما هم همان را به ارمان خواهند آورد. ملت ایران اگر بخواهد به آزادی، عدالت و دموکراسی برسد، باید حساب خود را از قدرت‌های خارجی، و انواع مزدوران ایرانی‌شان جدا کند که با کسب پشتیبانی نظامی و اطلاعاتی و رسانه‌ای از آنها، می‌خواهند شهوت قدرت، ثروت و شهرت خود را ارضا کنند؛ وگرنه فاتحه ایران و تمدن ایرانی خوانده می‌شود. جنبش مردم ایران توسط اینها مصادره شده است همچنان که سال‌هاست با نفوذ گسترده در انواع رسانه‌ها و ارکان حکومتی کشور افکار جوانان ما را کنترل کرده‌اند و می‌کنند. من شرم دارم که با چنین ارکستری با آواهای ناهنجار و توسل به دشمنان ایران و ایرانی همراه شوم. برای همین سکوت پیشه کرده‌ام. نمی‌خواهم نوجوانان و جوانان بی‌تجربه کشورم را گوشت دم توپ کنم درحالی‌که هیچ آسیبی به من نوعی در خارج از کشور وارد نخواهد شد. به فکر هشتاد میلیون هموطنانم هستم که همین حداقلی (حقوق اساسی بشری) را هم که دارند از دست ندهند و دچار بی‌خانمانی، آوارگی، مرگ، نابودی زیرساخت‌ها و بهداشت و درمان و آموزش و... نشوند. بوی خوشی به مشام نمی‌رسد. با کمال تأسف!

۶. من سیاسی نیستم ولی حس می‌کنم دنیای غرب در مقابله با نزدیکی حکومت به چین و روسیه از این انقلاب حمایت می‌کند آیا نباید بین بد (غرب) و بدتر (چین و روسیه) انتخاب کرد؟

همه جهان و بخصوص ایرانیان قربانی تبلیغات منفی، دروغ‌های شاخدار و شیطان‌سازی رسانه‌های امپراطوری غرب علیه چین و روسیه هستند. در کشور ما هدف اصلی‌شان بستن هرگونه راه فرار از محاصره و تحریم اقتصادی است به منظور بردگی ابدی ما. جهان در حال گذار به دنیای چندقطبی است. برای همین هر قدرتی که فرمانبر این امپراطوری نیست- صرفنظر از نظام حاکم بر آن- هدف دشمنی قرار می‌گیرد. این امپراطوری در عرصه جهانی به هیچ وجه دموکراسی نمی‌خواهد. فقط فرمانروایی می‌خواهد و همه قوانین بین‌المللی و منشور ملل متحد را در سه دهه اخیر زیر پا گذاشته است. حتی در دهه اخیر، دموکراسی به شدت در داخل کشورهای غربی به طور فزاینده‌ای محدود شده است و صداهای مخالف و آلترناتیو سانسور، حذف و در مواردی همچون فعالیت‌های افشاگرانه سرکوب شده (نمونه‌های برجسته آن: ژولیان آسانژ، ادوارد اسنودن، چلسی الیزابت مَننینگ،...). در واقع تلاش می‌کنند در عرصه بین‌المللی، نظامی تمامیت‌خواه حاکم کنند. مهم‌ترین نقش این رسانه‌ها ایجاد فضای غیرواقعی، خبرسازی، مجازی‌سازی دنیای واقعی ما (همچون حساب‌هایی که پی‌درپی می‌ترکنند) و زورچیان کردن راه خود به کشورها و فرهنگ‌های دیگر است. این روش در سه دهه اخیر فقط به فاجعه‌ای برای کشورهای دیگر منجر شده و هیچ دلیلی ندارد که برای ما بهتر شود. هر کشوری باید راه مستقل پیشرفت و توسعه خود را با اتکا به مردم، فرهنگ و تاریخش طی کند و قربانی بازی قدرت‌های جهانی و سرابی که برایش درست می‌کنند نشود. بازی انتخاب بد و بدتر نتیجه‌اش همین بختکی بوده که در ایران بر ما حاکم شده است؛ ولی این انتخاب در عرصه جهانی برای هر کشوری فاجعه‌بار بوده و خواهد بود (اوکراین نمونه اخیر آن است).

فعالیت سیاسی درازمدت است و چند نسل طول می‌کشد تا نتیجه دهد و رفتن به خریدی یک روزه نیست. اتکا به قدرها و پول قدرت‌های خارجی هم نتیجه‌اش همکاری با متجاوزین بین‌المللی و آلت دست شدن است. در هر صورت به دنیای سیاست خوش آمدید. حتی آنکه در خانه می‌نشیند بدون آنکه بداند و یا بخواهد به یک سوی دنیای سیاست کمک می‌کند. شاد و کامروا باشید و به امید آینده‌ای بهتر برای مردم ایران.

۷. آیا جنبش مردم ایران می‌تواند بدون توجه و شناخت از اوضاع جهانی و منطقه‌ای بخصوص در رابطه با جغرافیای سیاسی کشور موفق شود؟

۲۹ و ۳۰ آبان ۱۴۰۱ (۲۰ و ۲۱ نوامبر ۲۰۲۲) [نظرات در اخبار روز](#)

این نوشته ارزنده و قابل تعمق جایش خالی بود، در این طوفانی که ایران، ایرانیان و تمدن ایرانی را در خود فروبرده است. امید است بخش دیگر آن هرچه زودتر منتشر شود چون بدون شناخت سیستم کنونی جهان (کل)، هر بررسی از آنچه در یک کشور (جزء) رخ می‌دهد می‌تواند به خطا برود.

دشمنان داخلی و خارجی ما از جنبش مستقل، ملی، برحق و مردمی، و از احساسات عمیق انسانی ما برای جنگ قدرت جهانی و منطقه‌ای با حکومت سوءاستفاده می‌کنند. آنها و مزدورانشان در خارج از کشور جوانان ما را گوشت دم توپ کرده‌اند و با خون جوانان ما شهوت قدرت، ثروت و شهرت خود را سیراب می‌کنند و به دخالت قدرت‌های خارجی در امور داخلی ما متوسل می‌شوند. ملت ایران با توسل به بزرگترین جنایتکاران تاریخ - که خود به تسلط بختک حکومت اسلامی کمک کردند- نمی‌تواند در جنبش ملی و دموکراتیک خود موفق شود. این قدرت‌های خارجی چیزی بهتر از عراق، افغانستان، سوریه، لیبی، سودان، سومالی، یمن، اوکراین و... برای ما به ارمغان نخواهند آورد. آنها تلاش دارند این جنبش را از مسیر طبیعی و آرمان‌های انسان‌دوستانه و دموکراتیکش خارج کنند و آن را با ترور، خشونت، جنگ داخلی، تخریب و شورش کور و بی‌هدف، حذف دگراندیشان، و شکاف‌های ملی-مذهبی، و منطقه‌ای همراه کنند. نتیجه، کشوری غیرقابل زیست، شکست خورده، از هم پاشیده و غارت شده خواهد بود که در آن سنگ روی سنگ بند نخواهد شد. یک خودکشی ملی! حاکمیت و آنها که با آن در این سال‌ها شریک بوده‌اند در این زمینه، دانسته و ندانسته، نقش و مسئولیت اصلی را داشته و دارند.

وجدان انسانی مردم مقدس است و آنها را به اعتراض، شورش و مقابله با حکومت‌ها وامی‌دارد، و بدون آن قدرت‌های حاکمه به راه خطای خود ادامه خواهند داد. لازم است منافع ملی، حفظ ایران و تمدن ایرانی در این دوران گذار ملی، منطقه‌ای و جهانی همواره راهنمای ما باشد.

اگر می‌خواهید بدانید سرنخ و هدایت جریانات خارج از کشور کجاست، کافی است:

- مسیر پول و بودجه‌های کلان به افراد، سازمان‌ها و رسانه‌های فارسی زبان را در دهه‌های اخیر بیابید؛
- ارتباطات افراد و جریان‌هایی را که در همان رسانه‌ها تبلیغ و بزرگ می‌شوند را با حلقه‌ها و دالان‌های قدرت بیابید؛
- تسهیل‌کنندگان و تدارک‌چی‌ها و مبلغان در دالان‌های قدرت را بیابید؛
- تأمین‌کنندگان اسلحه و آموزش نظامی برای گروه‌های مسلح در جوار مرزهای ایران را بیابید؛
- تبدیل حقوق بشر به کار تجاری، کسب بودجه‌های کلان و کسب ثروت قارچوار توسط این «فعالین» تاجرپیشه را ببینید.

آنگاه متوجه خواهید شد که ستاد رهبری جریانات خارج کشور در امریکاست با کمک کشورهای عضو ناتو، اسرائیل و عربستان.

۸. آیا می‌توان از جنبش جاری انتظار گرایش‌های سوسیالیستی داشت و یا صرفاً آن را با تحلیل طبقاتی ارزیابی کرد؟

۱ آذر ۱۴۰۱ (۲۲ نوامبر ۲۰۲۲)

انگار این امر بر برخی نویسندگان چپ‌رو [با دیدگاه صرفاً طبقاتی] مشتبه شده است که ما به سمت یک جنبش سوسیالیستی می‌رویم؛ در حالی که اساساً جنبش کنونی بورژوا-دموکراتیک و نگاهش به آزادی‌های بورژوایی و مدنی، ملهم از جامعه غربی است که از لحاظ اقتصادی پدرخوانده طبقه حاکم بر ایران است [این همزمان با رشد سرمایه‌داری کاملاً لازم و موجه است هرچند بخش ثروتمند، نخبه و برخوردار جامعه بسیار بیش از طبقات زحمتکش از این آزادی‌های بورژوا-دموکراتیک بهره‌مند خواهند شد]. جهان کنونی، اساساً از لحاظ اقتصادی تحت سلطه امپراطوری مالی-نئولیبرالی به رهبری امریکاست و همه کشورهای جهان کمابیش راه رشد سرمایه‌داری در پیش گرفته‌اند. اما وجه مشخصه جهان کنونی رهایی از سلطه این امپراطوری و حاکمیت دلار بر تجارت جهانی؛ حفظ حاکمیت ملی و مقابله با تحکم و دستور و دخالت در امور داخلی خود؛ و مبارزه با بلعیدن کشورهای نافرمان با ابزار جنگ و محاصره اقتصادی است. از این جنبه، بسیاری از کشورها برای موجودیت خود مبارزه می‌کنند صرفنظر از نظام حاکم بر آنها. در چهارچوب سرمایه‌داری کنونی، ما به مبارزات ضد نواستعماری بازگشته‌ایم و ایجاد اتحادیه‌ها و آلترناتیو‌هایی که در آن وزنه اصلی را اینها دارند: چین (رقیب

اقتصادی)؛ روسیه (رقیب نظامی و ژئوپلیتیک)؛ اتحادیه اقتصادی بریکز (BRICS- برزیل، روسیه، هند، چین و افریقای جنوبی)؛ سازمان همکاری شانگهای (SCO)؛ سازمان پیمان امنیت جمعی (CSTO)؛ اتحادیه‌های اقتصادی در آسیای جنوب شرقی (ASEAN & APEC) با نقش محوری چین؛ اتحادیه تجارت آزاد اوراسیا (EAEU or EEU)؛ اتحادیه بولیواری مردم آمریکای لاتین (ALBA or ALBA-TCP)؛ و سایر قدرت‌های نوظهور در آسیا، افریقا، آمریکای لاتین و خاورمیانه (ترکیه، عربستان، اندونزی، آرژانتین و...).

انتظارات از زاویه دید چپ‌روانه، حتی بر فرض محال ایجاد جبهه چپی بسیار قوی و پر نفوذ، شدنی نیست. متأسفانه، چپ در کشور ما نیرویی اشغال شده و متمیزه شده است که قدرت رسانه‌های امپراطوری آن را تسخیر کرده است به طوری که عملاً همه در زمین او بازی می‌کنند. بخش عمده چپ‌ها و بسیاری از نیروهای که در مبارزه کنونی مشغولند از لحاظ تشخیص منافع ملی و جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیک) جهان بسیار ناآگاه و قربانی رسانه‌های امپراطوری هستند البته اگر عامل آن نباشند. [تحلیل طبقاتی در عرصه جغرافیای سیاسی کاربرد بسیار ناچیزی دارد هرچند از لحاظ داخلی کاربردش بسیار مهم است. البته این نقطه ضعفی تاریخی است که فقط مختص چپ‌ها هم نیست. درحالی‌که دولت‌های حاکم برای حفظ خود هم شده به ناچار در عمل به آن توجه دارند و به همین دلیل همواره در عرصه داخلی سوار بوده‌اند.]

در شرایط کنونی قدرت و نفوذی که سرمایه‌داری حاکم در سراسر ایران دارد به هیچ وجه با زمان شاه قابل مقایسه نیست ضمن آنکه در ستون فقراتش امپراطوری غرب و دلار نفوذی ریشه‌ای دارند. برای همین، خطر فروپاشی کشور بیش از هر برآمد دیگری موجودیت ایران و تمدن ایرانی را تهدید می‌کند که سرانجامش غیرقابل زیست شدن سرزمین‌مان است. تنها جنبشی فراگیر، متحد و همراستا، مستقل، دارای چشم‌انداز و آرمان‌های مشخص و واضح برای همه، بدون توسل به ترور و حذف و جنگ‌های ملی-مذهبی یا ضدمذهبی، با جذب حداکثری می‌تواند شانس برای نجات باشد. آنچه برایم مسلم است رهبری و ستاد جریانات خارج کشور در امریکاست با همکاری پیمان ناتو، اسرائیل و عربستان سعودی که با تمام زرادخانه و تجارشان در کشورهای منطقه، هنگ‌کنگ (در زمینه تسخیر فکری و هدایت جوانان)، اوکراین و... به میدان آمده است ضمن آنکه در ستون فقرات حکومت هم نفوذ دارد. بزرگترین برگ برنده‌شان هم مجموعه امپراطوری رسانه و شبکه‌های اجتماعی است که مستقیماً با سازمان‌های اطلاعاتی کار می‌کنند. علاوه بر آن، بخشی از رسانه‌ها و سازمان‌های غیردولتی داخلی هم سال‌هاست تحت نفوذ این قدرت‌هاست.

۹. مخاطرات تحلیل و ارزیابی از اوضاع داخلی بدون توجه به اوضاع جهانی و منطقه‌ای چیست؟ ۲ آذر ۱۴۰۱ (۲۳ نوامبر ۲۰۲۲)

تحلیل‌های منحصر به اوضاع داخلی نقطه ضعف مهمی دارد که بیشتر از درون جنگل می‌بیند نه از بیرون آن. هر بررسی از اوضاع داخلی کشور بدون شناخت از وضع جهان امروز و شرایط منطقه ما ممکن است به خطا برود و احساسات بر آن غلبه کند.

به خود اجازه نمی‌دهم از خارج در مورد آنچه در ایران می‌گذرد نظر دهم. فقط می‌توانم بگویم افکار عمومی ایران سال‌هاست زیر بمباران و اشغال رسانه‌ها، ماهواره‌ها، شبکه‌های مجازی، سیستم آموزشی و فرهنگی نئولیبرالی، گمراه‌سازی‌های ژئوپلیتیک و منطقه‌ای، روزنامه‌های وابسته داخلی، توهانات، تبلیغات ضدچپ و ضدسوسیالیستی، و... بوده است که متعلق به امپراطوری مالی-نئولیبرالی غرب‌اند آنهم در دوران افول فراینده‌اش. حداکثر چیزی که از این جنبش می‌توان انتظار داشت یک تحول بورژوا-دمکراتیک است به شرطی که واقعیت ژئوپلیتیک کنونی جهان و منطقه بگذارد. با تسلطی که بر رسانه و افکار عمومی دارند، با نفوذی که در حکومت و کشورهای منطقه دارند، با ارتباطات نزدیکی که با انواع اپوزیسیون مسلح در مرزهای کشور دارند، با هدف استراتژیک بزرگی که برای ایجاد بی‌ثباتی در اطراف روسیه و چین دارند، و... حداکثر سوء استفاده را دارند می‌کنند. در بهترین حالت برای تبدیل ایران به قدرتی تحت فرمان خود استفاده خواهند کرد که بعید است. زیرا هر رژیمی مانند ایران درس‌هایی از نتیجه‌سازش‌های صدام، قذافی، بشار اسد، پوتین، یانکویچ (رئیس‌جمهور اوکراین که با کودتای میدان سرنگون شد)، و دیگران گرفته است و احتمالاً راه حفاظت از حق

حاکمیت ملی خود را در پیش خواهد گرفت البته با کمک همه کشورهای که تحکم نواستعماری را نمی‌پذیرند و جبهه متحدی صرفنظر از نوع حکومت خود تشکیل می‌دهند.

۱۰. آیا نظرات شما دست کم گرفتن شعور مردم و توهین به آنها نیست؟

در آنجا واضح است که مخاطره‌آمیزترین سناریو (خودکشی ملی!) را مطرح کرده‌ام. ما این شعور تحت کنترل امپراطوری با همه ابزارهایش را در عراق، سوریه، لیبی، یمن، اوکراین و... را هم باید ببینیم. آنها که با عشق به آزادی و دموکراسی و حقوق بشر آمدند به خیابان‌ها بعد که اوضاع از هم پاشید با مهاجرت به غرب به عشق‌شان رسیدند و میدان را خالی کردند برای تجاوز خارجی، داعش، القاعده و صدها گروه مسلح و نفوذی‌های ده‌ها سازمان اطلاعاتی و سرازیر شدن سیل اسلحه به کشورشان. هیچکس نمی‌تواند وقوع چنین سناریویی را رد کند. بخصوص که امکانات و زرادخانه‌ای که امپراطوری در خارج از کشور، در داخل و در درون حکومت دارد و به کار گرفته بی‌سابقه است. اگر شعور ما شامل شناخت دقیق از اوضاع جهانی و منطقه‌ای می‌شود و جنبش ما آنقدر فراگیر، مستقل، ملی، متحد، با جذب حداکثری و سازمان یافته هست و جنبش چپی متحد و همراستا هم داریم، بنده معذرت می‌خواهم.

فقط تصور کنید که همین امروز، در مهم‌ترین کانون‌های درگیری، عواملی اسلحه پخش کنند و بخشی از عوامل نفوذی یا تحت تأثیر این جنبش با اسلحه‌هاشان به این جنبش بپیوندند. به نظر شما چند گروه مسلح ایجاد خواهد شد و برای تسلط خود به جان هم خواهند افتاد؟ یا اگر گروه‌های نفوذی با لباس مبدل یا پنهانی به هر دو سو شلیک کنند، فکر می‌کنید در چنین فضای متشنجی چه خواهد شد؟ اینها فقط گوشه‌ای از سناریوهای امتحان شده امپراطوری در سوریه و اوکراین است که دارد آغاز می‌شود؛ ولی هنوز این آخرین فرمان صادر نشده. آیا ارتش آزاد سوریه - که از درون دستگاه امنیتی-نظامی سوریه بیرون آمد- به داعش و القاعده نیوست؟ اینها سوالاتی است که هر ایرانی میهن‌دوست باید از خود بکند. خانه‌ای را خراب کنیم تا بعد به جان هم بیافیم برای درست کردنش؟! ابعاد فاجعه در ایران در حدی است که تنها ملتی متحد، مستقل و میهن‌دوست می‌تواند این خانه را بسازد. از چپ و کمونیست‌های ایران نگویید که فعلاً فاجعه‌ای شرم آور است نه تنها در ایران (بخصوص در خارج کشور) بلکه در سراسر جهان سرمایه داری. چپ نیاز به فرصت دارد که خود را بسازد. گام اول، متحد شدن برای موفقیت جهان چندقطبی، رهایی از سلطه دلار و حفظ حاکمیت ملی کشورهاست از گزند دخالت امپراطوری برای جلوگیری از توسعه پایدار کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته، از راه ویژه فرهنگی و تاریخی مختص خود.

۱۱. آیا اینگونه تحلیل‌ها و نظرات دعوت مردم به خانه‌نشینی نیست؟

نمی‌دانم، آیا آگاه کردن مردم و درس گرفتن از شکست‌های تاریخی خود در ایران، منطقه و جهان به مفهوم دعوت به خانه‌نشینی است؟ هیچ چیز از واکنش مردم ایران طبیعی‌تر نیست و باید هم باشد. رخ داده و باز هم رخ خواهد داد. باید احمق باشی که بخواهی دست بردارند. ولی این با تلاش آگاهانه، متحد و سازمان یافته و فراگیر فرسنگ‌ها فاصله دارد. امپراطوری غرب قبل از هر چیز می‌خواهد ایران، صرفنظر از نظام حاکم بر آن، فرمانبر باشد تا در غارت کشور با حکومت شریک شود و بر ضد رقیبانش عمل کند. تا حالا هم بزرگترین غارت را از منابع کشور، در فرار سرمایه‌ها و ثروت ملی بخصوص سرمایه انسانی-فکری با مسدود کردن توسعه کشور و با همکاری عوامل خود در حکومت انجام داده‌اند. از این جهات، خواه ناخواه ملت ایران تضعیف شده است. مشکل اصلی غرب ایجاد قدرتی فرمانبر است؛ اگر نشد ضعیف و اگر آنهم نشد فروپاشاندنش و تبدیلش به تکه‌های کوچک قابل کنترل و بلعیدن (کاری که با اتحاد شوروی، یوگسلاوی، چکسلواکی، سودان، گرجستان، اوکراین و... کردند). هر نظامی بر کشور حاکم باشد همین برنامه را پیش خواهند برد. همین دو روز پیش بن سلمان را از قتل قاشقچی مبرا کردند در کشوری که ایرانیان حتی یک روز زندگی در آن را تحمل نخواهند کرد. در لحظه کنونی از رسانه «عربستان» اینترنشنال و انواع مزدوران امریکا، ناتو، اسرائیل و عربستان در خارج، «انقلابی» تر نمی‌یابید البته در پشتیبانی از هر شورش، اعتراض، شعار سرنگونی (بی‌موقع یا همان فروپاشی کشور)، ترور، مقابله خشونت آمیز و جنگ خیابانی در ایران. همه انقلابیون و چپ‌های دواتشه ما می‌بایست به آنها تعظیم کنند و علم و کُتُل آنها را به دست گیرند. واقعا چرا این قدر قدرت‌های غربی و فاشیست‌ترین

سیاستمداران نشان عاشق «انقلاب» مردم ایران شده‌اند و در حمایت از ایرانیان از سر و کول هم بالا می‌روند؟ نتیجه همین کار آنها را در کشورهای دیگر می‌بینیم. اوکراین جلوی چشممان است. عراق، افغانستان و سوریه همسایه مان هستند. حالا چپ و رشکسته ایران هم خود را مچل آنها بکند تا حقوق اساسی بشر (حفظ جان، حداقل سرپناه، نان شب، مدرسه، بیمارستان، آب و برق و حداقل امنیت) را هم از مردم خود سلب کند؟ شاید این «انقلاب ایران» آنقدر قدرتمند است که همه جهان را می‌تواند دگرگون کند. کاری که چین دومین قدرت اقتصادی دنیا و روسیه یک قدرت ژئوپلیتیک-نظامی و ثروتمند از لحاظ منابع اولیه با متحدان جهانی خود به سختی بسیار می‌توانند آنرا مسالمت‌آمیز به پیش ببرند، و از جنگ و بدتر از آن جنگ اتمی اجتناب کنند تا دموکراسی و برابری حقوق را در عرصه بین‌المللی برقرار کنند بدون آنکه در امور داخلی و حق حاکمیت ملی آنها دخالت شود.

هر جنبشی بدون آگاهی از این‌که در جهان و منطقه‌اش چه می‌گذرد به خطا می‌رود البته اگر به مهلهکه نرود.

۱۲. سؤال شیطنت‌آمیزی دارم. شما چگونه از گمراهی توسط رسانه‌ها رها می‌شوید؟

۵ آذر ۱۴۰۱ (۲۶ نوامبر ۲۰۲۲)

پرسش بسیار خوبی است نه شیطنت آمیز. ضمن آنکه همه رسانه‌ها را باید مرور کرد، اما مرکز توجه و تمرکز اصلی باید به روزنامه‌نگاران مستقل و محقق باشد که اکنون با ذره‌بین و حتی با میکروسکوپ، در رسانه‌های جریان اصلی نمی‌توان یافتن: آنها که به ناچار و بسایت‌ها و کانال‌های خود را ایجاد کرده‌اند و نتیجه تحقیقاتشان را هم منتشر می‌کنند و زیر تیغ سانسورند. ضمن آنکه در مورد هر کشوری حتما باید به منابع رسمی و دست اول هم رجوع کرد. داستان‌ها و روایت‌های متفاوت و مغایر را و دروغ‌هایی را که دیر یا زود فاش می‌شوند بررسی کرد و از آنها درس گرفت. برخی دروغ‌ها و روایت‌های جعلی که توسط دستگاه‌های اطلاعاتی به رسانه‌ها «درز» می‌کنند، تازه پس از بیش از سی سال فاش می‌شوند. از خیرها و روایت‌های بدون منبع و مدرک باید اجتناب کرد. از واقعیت‌های مجازی و وهم‌آلود در شبکه‌های مجازی، فیلم‌ها و تصاویر مونتاز و دست‌کاری شده باید اجتناب کرد. از هر نوع پروپاگاندایی که بوی منافع قدرت‌های بزرگ در مقابله با رقیبان نوظهورشان می‌دهد باید اجتناب کرد. از هیاهو و هوچی‌گری، ارسال مکرر و کپی برداری و رتوش شده مطالب باید برحذر بود.

رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی در اختیار امپراطوری سرمایه‌مالی-نئولیبرال رانتخوارند و مستقیم و غیرمستقیم توسط قدرت‌حاکمه و سازمان‌های اطلاعاتی کنترل، تأمین مالی و هدایت می‌شوند. آنها مانند ارکستری هر روز خط‌های مشترکی را دنبال می‌کنند. سیستم توالیتری بر آنها حاکم شده است و تبدیل به شوهای تلویزیونی، جعل خبر و داستان‌سازی‌های ساختگی شده‌اند. تشخیص سره از ناسره، کار طاقت‌فرسایی است. در این زمینه، آنها در کوتاه مدت همواره جنگ اطلاعاتی و دستکاری افکار عمومی را از قبل برده‌اند. این تبدیل به قدرتی فزاینده و ابزار اصلی شده است در حالی‌که قدرت نظامی و اقتصادی امپراطوری سال‌هاست رو به افول بوده است.

اما در مورد ایران و ایرانیان، با لطف حکومت به پدرخوانده‌هایش، امپراطوری نئولیبرال بی‌سابقه‌ترین سرمایه‌گذاری در زمینه رسانه‌ای، ماهواره‌ای، رادیو-تلویزیونی و شبکه‌های اجتماعی در سه دهه اخیر را انجام داده است که حتی با جنگ سرد قابل مقایسه نیست. این در جهان بی‌سابقه است. آنها تمام سلیقه‌های ایرانی را شبانه‌روز پوشش می‌دهند. بخشی از روزنامه‌ها و رسانه‌های داخلی هم تحت نفوذ مالی-سیاسی آنان است که بخصوص در زمینه مسائل ژئوپلیتیک و منطقه‌ای همان خط امپراطوری را پیش می‌برند. از این لحاظ، ایران و ایرانیان اشغال شده‌اند همچون بسیاری از مردم کشورهای غربی. این مجموعه رسانه‌ها، شبکه‌های مجازی و سازمان‌های غیردولتی تحت امر و نفوذ مالی‌شان، توانایی تغییر فضای سیاسی، تأثیر بر نتایج انتخابات، ایجاد آشوب و بی‌ثباتی و حتی تغییر حکومت‌ها را دارند. البته در کنار تحریم و محاصره اقتصادی و تهدیدهای نظامی.

۱۳. آنها که در خارج کشورند چه می‌توانند بکنند؟

۶ آذر ۱۴۰۱ (۲۷ نوامبر ۲۰۲۲)

نسخه‌پیچی هر جریانی در خارج از کشور برای مردم ایران خطای محض است و در مواردی جنایتکارانه. وظیفه آنها که سال‌هاست در ساحل امن مهاجرت نشسته‌اند، همه شهروند کشور های خارجی شده‌اند، هیچ آسیبی از عملکرد خود نمی‌بینند، و ... بر خورد مسئولانه، آگاه‌گرانه، روشنگرانه، مستقل و ملی است به ویژه در زمینه شناخت جهان امروز؛ انجام هر آنچه که به دلیل فضای سرکوبگرانه در داخل کشور میسر نیست؛ ارتباط و اتحاد با نیروهای مترقی-مردمی مستقل از قدرت‌های حاکم؛ احیای چپ ضدامپریالیستی، ضد سیستم مالی-نئولیبرال رانتخوار، ضد جنگ و سلاح هسته‌ای و ضد سیاست‌های ریاضتی و...؛ و مخالفت، افشا و مبارزه آکید با بازی تحت رهبری و کمک مالی امپراطوری و عوامل، مزدوران و سازمان‌های پوششی‌اش.

۱۴. دست قدرت‌های خارجی از جنبش مردم ایران کوتاه باد!

۵ تا ۹ آذر ۱۴۰۱ (۲۶ تا ۳۰ نوامبر ۲۰۲۲)

جنگ قدرت آنها و عواملشان در حاکمیت در عرصه منطقه‌ای و جهانی به قیمت نابودی ایران و تمدن ایرانی خواهد بود. هشیار باشیم و به آنها متوسل نشویم!

در خارج از کشور نه تنها کسی چیزی از دست نخواهد داد بلکه سوگلی‌های قدرت و رسانه پول پارو می‌کنند و قدرت طلبانشان جایگاه خود را در حکومت دست‌نشانده آینده از اربابانشان می‌طلبند. غافل از اینکه هدف نهایی این اربابان فقط نابودی ایران- صرف‌نظر از نوع نظام حاکم بر آن- است حتی به قیمت جنگ‌های بی‌پایان در منطقه ما. آنها از تسلیم و سازش حکومت با خود ناامید شده‌اند به همین علت دیگر برایشان هرگونه آتش‌افروزی مجاز است؛ وگرنه اگر حکومت فرمانبرشان شود، بلافاصله بساط فعالیت‌های خارج کشور و رسانه‌ها را متوقف خواهند کرد.

امریکا، غرب و سازمان‌های اطلاعاتی‌شان تمام زرادخانه خود و تجارشان در کشورهای منطقه، هنگ‌کنگ (در ارتباط با به کارگیری جوانان و نوجوانان) و اوکراین را به کار گرفته‌اند. اکنون ما نتیجه چند دهه کار برای تسخیر افکار عمومی ایران و نفوذ در ستون فقرات حاکمیت را مشاهده می‌کنیم.

۱۵. این دخالت‌کنندگان خارجی در جنبش مردم ایران کی هستند؟ مگر با خود حکومت نیستند؟

امریکا، ناتو، اسرائیل، عربستان سعودی، سیاه پنتاگون، تامین‌کنندگان بودجه انواع سازمان‌های به ظاهر غیردولتی یا حقوق بشری و رسانه‌های فارسی زبان خارج از کشور، تحریم‌کنندگان اقتصادی کشورمان، سردمداران دعوت از این قدرت‌ها برای دخالت در امور داخلی کشورمان، تأمین‌کنندگان اسلحه و آموزش نظامی برای گروه‌های مسلح در مناطق مرزی، ترورکنندگان دانشمندان اتمی، ... متجاوزین نظامی به عراق، سوریه، افغانستان، یمن، لیبی، یوگسلاوی، و... نقض‌کنندگان حق حاکمیت ملی کشورها...

شاید من نمی‌دانم شما بگویید. اینهایی که بر شمردم آیا جزو مردم ایرانند و نزدیک به درد و رنج آنها؟ آیا اینها ذره‌ای درد مردم ما و سایر کشورها را دارند؟ آیا اینها بزرگترین جنایتکاران تاریخ معاصر جهان هستند یا نه؟ اگر هستند، توسل به آنها که پدرخوانده جنایتکاران داخلی هم هستند آیا برای مبارزه مردم کشور ما نقض غرض و دعوت برای جنایات بیشتر در میهنمان نیست؟ با تبدیل میهنمان به عرصه جنگ قدرتشان؟

مایی که در خارج از کشور نشسته‌ایم و ذره‌ای از درد و رنج روزمره و طاقت‌فرسای مردم ایران را متحمل نمی‌شویم می‌بایست با مسئولیت برخورد کنیم. آیا ما در خیابانیم و جلوی صف مقابل گلوله و سرکوب؟

من به خود اجازه نمی‌دهم برای مردم کشورم نسخه بیچم و زیر علم و کُئل متجاوزان زنجیره‌ای و مزدورانشان جوانان کشورم را گوشت دم توپ کنم؛ بخصوص نوجوانان را تشویق کنم به میدان بیابند حتی اگر خودم هم جلوی آنها در خیابان باشم.

برایم مهم‌تر از همه، آگاهی رسانی است در مورد آنچه قدرت‌های خارجی فقط برای جنگ قدرت جهانی و منطقه‌ای‌شان و فرمانبرداری کردن حکومت انجام می‌دهند. آنها یکشبه عاشق مردم ایران شده‌اند یا عاشق اهداف خودشان؟ آنها احساسات شریف ایرانیان و شهروندان سایر کشورها را ابزار کرده‌اند و دستمال کاغذی. چه گلی

به سر کشورهای مشابه ما زده‌اند که بر سر ما هم می‌خواهند بزنند؟ آنها هیچ قدرت رقیبی را تحمل نمی‌کنند مگر آنکه فرمانبر باشد مانند عربستان (که حتی او هم نافرمانی آغاز کرده)، یا بسیار ضعیف و ناتوان باشد و یا تکه تکه شود تا بتوان هر تکه را جداگانه بلعید مانند یوگسلاوی، سودان، کره و

۱۶. در پاسخ به اتهامات و برچسب‌های قشری‌گرایانه و چماقداران‌انه از موضع «انقلابی-افراطی»

در داخل کشور، من چه در گفتار چه در رفتار همواره این رژیم خط قرمز بوده است و هست (تا مشاهده تغییراتی اساسی به نفع اکثریت مردم در دهک‌های پایینی). حتی زمانی که بسیاری از اینهایی که اکنون انقلابی شده‌اند به دنبال خاتمی و موسوی بودند، هشدار می‌دادم که هر چه می‌خواهید بکنید ولی دل به آنها ندهید. در ضمن، همواره و در همه حال، هیچگاه خط قرمز بسیار مهم دیگر در خارج را، یعنی امپراطور و دیکتاتور کنونی جهان حاضر و جنایات به مراتب بزرگ‌ترش را در حق دیگر کشورها فراموش نکرده و نخواهم کرد و شیپور را از دهان گشادش نخواهم دمید. چشم اسفندیار همه جنبش‌ها در کشورمان و در کشورهای دیگر همین عبور از این دو خط قرمز بوده است که هر دو مهلک‌اند؛ ولی عبور از دومی نه تنها به شکست انجامیده بلکه به نابودی کشورها و غیرقابل زیست شدنشان یا ایجاد حکومتی دست‌نشانده و صادراتی منجر شده است. اینجا آنچه مطرح کردم توجه و هشدار به همین خط قرمز دوم و بسیار صریح است نه حمایت گرفتن از مردم و تشکل‌های مدنی که بودجه‌شان از قدرت‌های حاکم تأمین نمی‌شود.

عدم شناخت از ساختار کنونی قدرت در جهان، منطقه و حتی نظام حاکم بر کشور، جنبش مردم ما را می‌تواند به مهلکه ببرد. ضمن آنکه معتقدم رژیم کنونی آینده‌ای ندارد. تنها جنبشی ملی، مستقل، غیرحذفی، فراگیر با جذب حداکثری و بدون اتکا به قدرت‌های حاکم بر جهان کنونی می‌تواند شانس موفقیت داشته باشد و ایران آینده ما را از همین امروز، در درون خود بسازد.

وجه مشخصه جهان کنونی گذار از دنیای تک‌قطبی به چندقطبی است که در آن کشورهای در حال توسعه و یا توسعه نیافته در چارچوب راه رشد سرمایه‌داری- صرفنظر از نظام حاکم بر آنها- برای استقلال خود از امپراطور و تحکم نواستعماری‌اش، رهایی از سلطه دلار و تحریم اقتصادی (بیش از ۸۰ کشور)، برای احیای نظام جهانی بر اساس منشور ملل متحد، حقوق برابر کشورها، احترام به حق حاکمیت ملی و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، برای توسعه پایدار و مستقل، و برای بقای خود در سازمان‌های متعددی متحد می‌شوند و مبارزه می‌کنند. مبارزه برای تغییر رژیم در ایران فقط باید توسط مردم ایران بدون هرگونه دخالت حکومت‌های دیگر انجام شود. اگر همین امروز نظام حاکم بر ایران با امپراطور جهان به توافق برسد و دست‌نشانده شود آنها مردم ایران و جنبش آن را فراموش می‌کنند.

جنبش مردم توقف ناپذیر و تعطیل ناپذیر است چرا که مبتنی بر مطالبات انباشته شده‌ای است که هر بار که سرکوب شده بار دیگر با وسعت بیشتر شعله‌ور شده است و تناوب آن سریع‌تر. مانند خارج کشور نیست که واقعیت‌های مجازی بسیار آلوده و مسموم به خوردمان می‌دهند، بلکه بسیار واقعی، روی زمین سخت و از درون می‌جوشد.

از این جهت حتی در بدترین دوران و شدیدترین سرکوب‌ها هیچگاه امیدم را از دست نداده‌ام. در اوج کشتارها که به سکوت مرگ پس از تابستان ۶۷ ختم شد این شعر حافظ که شجریان هم آن را خواند الهام بخشم شد:

قد خمیده ما سهلت نمود اما

بر چشم دشمنان تیر از این کمان توان زد

در نهایت، دلیل تمام شکست جنبش‌ها رد شدن از این دو خط قرمز داخلی و خارجی، بی‌توجهی به منافع ملی کشور، و متحد و فراگیر نبودن بوده است. اینها آن چیزی است که دشمنان خارجی کشور ما همراه و همگام با حکومت از آن استفاده کرده‌اند. برای همین، اشتباهات گذشته را نباید تکرار کنیم. نباید اسب تروا را وارد جنبش کنیم هر قدر هم که ضعیف باشیم. اگر در تاریخ دقت کنیم، جنبش کردها برای خودمختاری در هر چهار کشور (ایران، عراق، ترکیه و سوریه) همواره به دلیل اتکای رهبران به قدرت‌های خارجی و نه مردم کشور خود، با کمال تأسف به فاجعه منجر شده و باز هم خواهد شد.

من در این شک ندارم که سر نخ جریان‌های خارج کشور و رهبری آن در کجاست. آنها به همراهی نفوذی که در ستون فقرات حاکمیت دارند، تاکنون همیشه سوار بوده‌اند. بزرگترین برگ برنده‌شان اشغال و کنترل فکری ایرانیان بوده است. این همان طریقی است که در سه دهه گذشته در بسیاری از کشورها دخالت کرده‌اند. فقط کافی است نگاهی به کشورهای همسایه خودمان و منطقه بیاندازیم.

۱۷. در پاسخ و همدردی با دوستی در ایران و نگرانی‌ها، بالاگرفتن اختلافات، چشم‌انداز فروپاشی و مصادره خیزش اعتراضی ۱۲ و ۱۳ آذر ۱۴۰۱ (۳ و ۴ دسامبر ۲۰۲۲)

جنبش مردم ایران در خارج از کشور مصادره شده است و ستاد رهبری آن در آمریکا، پنتاگون، سیا و آژانس امنیت ملی (NSA/CSS)، بنیاد جورج سوروس (NED) و اطاق‌های فکری‌شان است با کمک غرب، کشورهای عضو ناتو (یا همان اروپا با فرماندهی آمریکا)، اسرائیل و عربستان.

با لطف حکومت به پدروخوانده‌هایش، در عرصه رسانه، فضای مجازی، فرهنگ نئولیبرالی و مکتبش در دانشگاه‌ها و سیستم آموزش خصوصی، ماهواره‌ها، و تسلط بر نیمی از رسانه‌های داخلی و نفوذ اطلاعاتی-امنیتی-اقتصادی در ستون فقرات حکومت...، ایران و ایرانیان از لحاظ فکری تحت اشغالند. این نتیجه سه دهه سرمایه‌گذاری بی‌سابقه در تاریخ جهان است که اکنون نتیجه‌اش را مشاهده می‌کنیم.

هدف، ایجاد شکاف حداکثری ملی و اجتماعی، شورش و بحران فزاینده، حذف هر دگراندیشی، ترور، ویرانی بدون هدف، و یورش به آخرین سنگر (سرنگونی) بدون آنکه ده‌ها سنگر قبلی تسخیر شده باشد که نتیجه‌اش محاصره و کشتار و خونریزی هرچه بیشتر به منظور فروپاشی کامل است.

هدف، از دست دادن همین حداقل‌های موجود و غیرقابل زیست کردن کشور است. حکومت در داخل مسئول اصلی این شرایط است. در خارج آمریکا، همچون ولایت فقیه جهان، نافرمانی هیچ حکومتی را -صرف نظر از نظام حاکم بر آنها- حتی از سوی متحدینش هم نمی‌پذیرد. او می‌خواهد ایران را عرصه جنگ قدرت با حکومت و رقبای خود در جهان و قدرت‌های نوظهور منطقه کند. برای همین از فردای مرگ مهسا و دیگر جوانان کشور، او با همه زرادخانه‌اش و تجاریش در کشورهای منطقه، هنگ‌کنگ (در زمینه تسخیر فکر جوانان و نوجوانان)، اوکراین، و... و تسلط سایبری در سه دهه گذشته وارد میدان شده است. نتیجه و ابعادش بسیار هولناکتر از هر آنچه خواهد بود که جهان و منطقه ما در این سه دهه دیده‌اند.

اکنون فقط کافی است در کانون‌های درگیری و شورش، افرادی مخفیانه به هر دو طرف شلیک کنند، اسلحه پخش شود و یا بخشی از نیروهای امنیتی یا نفوذی به ظاهر به مردم بپیوندند. آنگاه ده‌ها گروه مسلح هریک برای تسلط خود به جان هم خواهند افتاد و تیراندازی جان‌شین گفتگو خواهد شد. نتیجه یک خودکشی ملی خواهد شد. نشانه‌های متعددی از این آشکار شده است. ولی هنوز امیدوارم با هشیاری سیاسی مردم میهنم -که تجربه افغانستان، عراق، سوریه، لیبی، اوکراین، سودان، سومالی، یمن و... را دیده‌اند- از چنین جهنمی اجتناب شود. منافع و وحدت ملی کشورمان در همه حال باید مد نظر باشد و از هر اقدامی که نتیجه‌اش گسترده کردن شکاف در جنبش و فرارویاندنش به انتقام‌جویی و خونریزی است اجتناب کرد. دخالت نظامی خارجی پس از فروریختن شیرازه اجتماعی و توجیه آن به کار گرفته خواهد شد. اگر ملتی برای تیم ملی‌اش به دو یا چند دسته تقسیم شده است وای به حال ما برای دفاع از منافع ملی بسیار عظیم‌ترمان!

هشیار باشید! که راست‌ترین و ضدانقلابی‌ترین‌ها گوی سبقت را در خارج کشور از هر انقلابی و نیروی چپی ربه‌دهاند تا ایران را عرصه جنگ قدرت و ولایت‌فقیه‌های داخلی و خارجی کنند، جنبش مردم را به نفع خود مصادره کنند و جنگ بی‌پایان داخلی با نیروهای نیابتی را آغاز کنند. به اینها بودجه، قدرت و شهرت داده‌اند و باقی ناچارند زیر علم‌شان بروند. هیچیک از این دو ولایت مردم را در قدرت و تعیین سرنوشت خود مشارکت نمی‌دهند ولی خارجی‌اش نابودی ایران و تمدن ایرانی را هم می‌خواهد.

همه کشورهایی که برای رهایی از سلطه امپراطوری دلار و تحریم می‌جنگند از قبل جنگ را در عرصه رسانه و فضای مجازی باخته‌اند ولی این امپراطوری هم از لحاظ نظامی و هم از لحاظ اقتصادی در حال افول است. واقعیت‌های سختی که مردم جهان با آن رو در رویند، بالاخره منجر به کم اثر شدن این امپراطوری دروغ، سانسور، قلب واقعیت، تولید واقعیت مجازی، غلو، شو و هیاهو و داستان‌سازی، بیچاندن موضوعات، مونتاژ فیلم و تصویر، سلاخی واقعیت در گزارش‌ها، الگوریتم برای حذف دگر اندیشان و منتقدین، به کارگیری «روبات» ها در شبکه‌های اجتماعی و ... خواهد شد.

۱۸. دربارهٔ نقدها و بحث‌های جاری در مورد مواضع چپ‌های مانده در «که برکه» سال‌های ۵۷ تا ۶۱ ۲۰ آذر ۱۴۰۱ (۱۱ دسامبر ۲۰۲۲)

واقعیت این است که اینها سال‌هاست راست می‌زنند و در همان دوره کوتاه اتحاد و انتقاد ۵۷ تا ۶۱ مانده‌اند و هرچند با گذشت سال‌ها این کم رنگ‌تر شده است. ولی با پدیدار شدن دنیای چندقطبی و تلاش کشورهای درحال توسعه (از جمله چین و روسیه) برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی، تأمین حق حاکمیت ملی، رهایی از سلطه دلار و تحکم آمریکا و ناتو، مبارزه برای ممانعت از دخالت در امور داخلی کشورها بخصوص از طریق قدرت رسانه و فضای مجازی، و ... بار دیگر این چپ‌هایی که راهنمایشان راست می‌زند، فیلشان یاد هندوستان کرده و فقط یک سو را می‌بینند. عده‌ای چپ‌رو و افراطی هم برخورد‌های فرصت‌طلبانه و بوروکراتیک (با اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌های روزمره) دارند و می‌خواهند از این طریق جبران مافات کنند تا نتیجهٔ سال‌ها خرابکاری خود در حزب و جنبش چپ را بپوشانند و اینگونه جلوه دهند که سوار اوضاع هستند ضمن اینکه خود تحت تأثیر و قربانی رسانه‌های مسلط در کشورهای خودند. این شرایطی است که شکست، پراکندگی و ننولیرالیسم به ما تحمیل کرده است و در صورت همگرایی بیشتر و وحدت در صفوف می‌توان امید داشت که برآیند مجموعه نظرات به سیاستی واقع‌گراتر، همه‌جانبه‌تر و منطبق با منافع ملی کشور و در نتیجه به پیروزی جنبش برحق مردم بیانجامد. در مورد داخل کشور نگرانی کمتر است چون واقعیت‌های سخت و روزمره حکمرانی می‌کند. من نگرانی‌ام بیش از هر چیز از خارج کشور است و در ضمن تسلط حداکثری که روی افکار عمومی ایرانیان از طریق رسانه‌های خارجی و داخلی، فضای مجازی، نفوذ عمیق امپراطوری ننولیرال در ساختار اقتصادی-اطلاعاتی-امنیتی-قضایی-رسانه‌ای حکومت، تسلط بر فعالیت‌های خارج کشور، استفاده ابزاری از سازمان‌های حقوق بشری و حتی سازمان ملل و غیره است. چپ در این فضا از قبل باخته است، مگر آنکه این جنبش به حرکتی، ملی، فراگیر، با جذب حداکثری، اجتناب اکید از خشونت و ترور و خرابکاری و حرکات ضدمذهبی، گسترش انواع ابتکارات هنری و طنزآمیز و افشاگرانه و از همه مهم‌تر قطع ارتباط با امپراطوری غرب و سازمان‌ها و مزدورانش و عدم توسل به آنها فراروید. در غیراین صورت، شک ندارم که در اوضاع کنونی جهان و منطقه، ما به سمت فروپاشی و نابودی کشور خواهیم رفت: بسیار بزرگتر از آنچه جهان و منطقه ما در سه دههٔ اخیر شاهدش بوده‌اند.

در این میان درست است که مسئول اصلی حکومت است اما جنبشی که می‌خواهد آینده را از آن خود کند و از این حکومت گذر کرده‌است، می‌بایست با مسئولیت تمام آینده را از هم‌اکنون بسازد. این جنبش باید اجتناب کند که آینده‌ای از رفتار و شیوه‌های حکومت شود آنهم با القای امپراطوری و رسانه‌هایش: با عکس‌العمل‌هایی سرشار از خشونت و نفرت، توسل به قدرت‌های خارجی برای کمک مالی-تسلیحاتی، استفاده از فرهنگ لمینی و خودمحرانه با حذف و قشری‌گری، توسل به ترور و هر حرکت سکتاریستی و اراده‌گرایانه‌ای که مردم را از صحنه خارج می‌کند و ... رژیم کنونی با چهاردهه عملکردش نزد مردم هیچ آینده‌ای ندارد و نباید آینده کشورمان را به او گره بزنیم مانند مردم عراق، لیبی، افغانستان، اوکراین، و ... که آینده‌شان را همراه با رژیمی منفور به خاک سپردند و به سراب رحم و شفقت امپراطوری و منافعش سپردند.